

فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی (۴۱)، تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲

صص ۲۷۰-۲۴۷

تحلیل جامعه‌شناختی بر آیین دادرسی مربوط به جرایم اطفال در فقه و حقوق موضوعه

سودابه طاهری^{*}، حسن اسدی^۲

۱- دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد واحد ورامین

۲- دکترای تخصصی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، دانشکده علوم انسانی گروه فقه و مبانی حقوق

چکیده

کودکان به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه در هر جامعه ای نقش اساسی دارند و باید برای ارتقاء سلامت اجتماعی آنها تلاش کرد. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصراً یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان‌شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم‌شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. لذا در این مقاله به بررسی تحلیل جامعه‌شناختی بر آیین دادرسی مربوط به جرایم اطفال در فقه و حقوق موضوعه پرداخته می‌شود. شیوه تحقیق این پژوهش از روش فیش برداری کتابخانه‌ای و توصیفی است. به نظر می‌رسد که شیوه دادرسی ویژه کیفری اطفال در حقوق عرفی با موازین حقوق اسلام، مغایرتی ندارد و در متون معتبر فقهی هیچ‌گونه ردعی و منعی در اعمال این دادرسی به چشم نمی‌خورد.

واژه‌های کلیدی: فقه، حقوق، کودک، بزه، جرایم اطفال، سیاست افتراقی.

مقدمه و بیان مساله

کودکان سرمایه‌های اصلی جامعه هستند و سلامت اجتماعی آنها برای داشتنی جامعه‌ای سالم و پویا از اهمیت بالایی برخوردار است. کودکی دوران پایه گذاری شخصیت انسان است. سلامتی روحی - روانی و جسمی انسان وابستگی قوی به چگونگی گذران این دوران دارد. ناتوانی جسمانی و عقلانی کودک ایجاب می‌کند که قانونگذار حمایت‌های خاص خود را مبذول این گروه از جامعه نماید. نهادها و قوانین حمایتگر در جهت جبران ناتوانی کودک در حفظ حقوق خویش است. وجود این حمایتها از اقصای ضعیف جامعه مثل زنان، زندانیان، آوارگان، پناهندگان و غیره نیز احساس می‌گردد؛ اما آنچه اهمیت این گونه حمایتها را در خصوص کودک پر رنگتر می‌نماید، شکل گیری وجود انسان و ابعاد شخصیتی وی در این مرحله از زندگی است. حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده آحاد حکومتگران است و قانونگذار نیز در این زمینه سهمی دارد. وظیفه قانونگذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است و حیطة بررسی ما در این پژوهش، بررسی میزان موفقیت قانونگذار جزایی ایران در حفظ حرمت بایدها و نبایدها و اعطای قدرت اجرایی به آنها در زمینه حقوق کودک است. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصرأ یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان شناسی، مددکاری و جرم شناسی است، در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد. در این مطالعه، خطوط اصلی دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق عرفی با حقوق موضوعه ایران از لحاظ تئوری جامعه شناختی مقایسه شده است. همچنین لایحه قانونی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار داده است. این لایحه گامی مؤثر در ارتقاء دادرسی ویژه اطفال در جامعه محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که شیوه جامع شناسانه دادرسی ویژه کیفری اطفال در حقوق عرفی با موازین حقوق اسلام،

مغایرتی ندارد و در متون معتبر فقهی هیچ گونه ردعی و منعی در اعمال این دادرسی به چشم نمی‌خورد.

در نگارش این پژوهش از روش فیش برداری کتابخانه‌ای و توصیفی استفاده شده است و در خلال این گردآوریها و توصیفات، تحلیلهایی نیز ارائه شده است. روش کار در این تحقیق مراجعه به متون پایه فقهی و بهره‌جستن از منابع ارزشمند علما و مفاخر اسلام با استفاده از فیش برداری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند: در حقوق ایران کلیات آیین دادرسی کیفی اطفال با الهام از فقه امامیه دارای امتیازات ویژه‌ای است.

موقعیت اطفال بزه‌کار در حقوق ایران مورد توجه قانونگذار در سنوات اخیر بوده است. آیین دادرسی کیفی اطفال در فقه امامیه و حقوق ایران دارای جایگاه خوبی دارد.

مبانی نظری

الف) آیین دادرسی

حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده آحاد حکومتگران است و قانونگذار نیز در این زمینه سهمی دارد. وظیفه قانونگذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است و حیطة بررسی ما در این پژوهش، بررسی میزان موفقیت قانونگذار جزایی ایران در حفظ حرمت بایدها و نبایدها و اعطای قدرت اجرایی به آنها در زمینه حقوق کودک است. (اسدی، ۱۳۸۲: ۳۰).

هدف حقوق جزا، اصلاح مجرم و جامعه است و وسیله نیل به این هدف، مجازات، یعنی واکنش اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه است. مکاتب فکری در دورانهای مختلف، اهداف متعددی برای مجازات ارائه نموده‌اند، اما امروزه با نضج افکار مکتب اجتماعی نوین، این نظر پذیرفته شده است که مهمترین هدف مجازات، اصلاح مجرم در جهت باور و پذیرش هنجارهای اجتماعی و تطبیق وی با این هنجارهاست. حال سؤال این است که حقوق جزا چه تدابیری در جهت باوراندن هنجارهای اجتماعی به کودکان اندیشیده و چگونه می‌خواهد

کودکان را از قربانی جرم شدن دور نگه دارد؛ به عبارت دیگر، راهکارهای مقنن جزایی ایران در جهت جلوگیری از قربانی جرم شدن کودک و اصلاح کودکان بزه کار چیست؟ شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصرأ یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان شناسی، مددکاری و جرم شناسی است، در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

ب) مفهوم کودکی

کودکی که به دنیا می‌آید به صورت بالقوه عالیترین و کاملترین امکانات لازم برای رشد را داراست. وی آمادگی دارد که به شایسته ترین شکل پرورده شود و سیر تکاملی خویش را طی کند. کافی است که سالم به دنیا آید و در شرایط خانوادگی، آموزشی و محیطی مناسب قرار گیرد تا رشد و نمو یابد. اما متأسفانه گاه این شرایط به گونه ای است که برخی از آنها نمی‌توانند ظرفیتهای و تواناییهای خویش را شکوفا سازند و ممکن است حتی روندی نامناسب را طی کنند و به انواع و اقسام مشکلات رفتاری مبتلا شوند. اندیشمندان علوم اجتماعی، روان شناسی، روان پزشکی، آموزش و پرورش و جرم شناسی در راستای شناسایی علل و یافتن راه حلی جهت پیشگیری از انحرافات کودکان و نوجوانان به پژوهش پرداخته اند. دانشمندانی که آگاهی چندانی از شخصیت اجتماعی انسان نداشتند، علل کجرویهای افراد را به تفاوتهای بدنی و جغرافیایی نسبت می‌دادند و بر این باور بودند که یا عناصر شخصیت هر کس در سرشت، ساختمان بدنی بویژه در اعصاب یا غده‌های او نهفته است و یا به تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی اعتقاد داشتند. اما این اندیشمندان به نقش رفتار گروهی و بخصوص یادگیری در تسهیل حیات انسانی توجهی نداشتند. به عقیده جامعه شناسان، انسان از هنگام تولد در شبکه ای

از روابط متقابل اجتماعی قرار می‌گیرد و از میان کنشهای متقابلی که با دیگران دارد، میراث جامعه را به خود جذب کرده، حیاتی اجتماعی می‌یابد و در تمام مدت حیات خود در این شبکه روابط متقابل، به فراخور دگرگونی این روابط، دگرگون می‌شود و همواره از جامعه سرمشق می‌پذیرد. به طوری که بدون تأثیر محیط بیرونی تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی برای انسان امکان‌پذیر نیست.

آنچه موجب می‌شود انسان شبکه گسترده روابط اجتماعی را بپذیرد، نیازهای وی برای بهتر زیستن است و کوششهای گروهی و جمعی برای به خدمت گرفتن پدیده‌های طبیعی در راستای منافع خود اوست. از این رو بررسی انگیزه‌ها و محرکهایی که انسان را به سوی تلاش برای تأمین نیازمندیها می‌راند، امری ضروری است که مستلزم رسیدگی و یافتن دیدگاهی منطقی برای پرداختن به آن است. محیط بیرونی خود مشتمل بر دو بخش است: طبیعت و جامعه، بی‌گمان عوامل طبیعی مانند آب و هوا، انسانها را به سوی برخی نیازها می‌راند، اما در این زمینه عوامل اجتماعی، بسیار نیرومندترند. اولین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اقدامات کشورهای مختلف در زمینه مبارزه با جرایم اطفال و نوجوانان بزه کار، مبتنی بر اصول صحیح و درستی استوار گردیده است یا خیر؟

در شریعت اسلام، تا کسی مسئولیت نداشته باشد قابل تعقیب و مجازات نیست. بدین نحو که مرتکب به جرم و بزه باید عاقل، بالغ، مختار و آگاه به حرمت عمل ارتكابی باشد. بنابراین اگر یکی از ارکان اربعه مسئولیت و از جمله بلوغ موجود نباشد حاکم شرع اجازه ندارد که حکم حد و یا قصاص را جاری سازد. مثلاً یکی از شروط اجرای حد و کیفر سرقت آن است که دزد باید عاقل باشد. پس اگر طفلی مرتکب جرم سرقت شود، اشتهر آن است که او را تأدیب و تعزیر کنند چون تکلیف از او برداشته شده است. در قانون مجازات اسلامی (نیز که از صغیر، رفع مسئولیت کیفری شده) در ماده ۴۹ صغیر را کسی دانسته که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. آنچه که دارای اهمیت فراوان برای کودک و حقوق مالی و کیفری اوست، تعیین و تشخیص سن بلوغ می‌باشد.

ج) مفهوم بزه

مفهوم لغوی بزه: بزه یک کلمه فارسی پهلوی است و به معنی گناه و خطا و جرم است که بزه هم گفته شده به بزه کار به معنی خطا کار و گناهکار می‌باشد و‌های آن غیر ملفوظ است به همین سبب نباید واژه ترکیبی بزه کار سرهم نوشته شود. (عمید، ۱۳۶۳: ۳۰۲)

مفهوم حقوقی بزه: حقوقدانان نیز بزه را مترادف جریره و جنایت دانسته‌اند. جریره بفتح جیم بمعنی بزه است. (امامی، بی تا، ج ۳: ۱۷۶) جریره یعنی جنایت (طوسی، ۱۴۲۶ ه.ق: ۷۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم حقوقی بزه مترادف با مفاهیم حقوقی جنایت و جریره است.

مفهوم بزه کار و بزه دیده: مفهوم بزه کار و بزه دیده از معنی لغوی آن دور نیافتاده و از فرط روشنی در کتب حقوقی و فقهی تعریف نشده‌اند. بنابراین بزه کار یعنی خطا کار و مجرم و کسی که مرتکب عملی شده است که به موجب قانون ارتکاب آن عمل، جرم محسوب می‌شده است. و بزه دیده به معنی کسی است که علیه او عملی که به موجب قانون جرم محسوب می‌شده، ارتکاب یافته است.

موقیبت اطفال بزه کار در فقه و حقوق ایران

حقوق و قوانین در مورد اطفال بزه دیده

معمولاً قوانین جزائی از طفل بزه دیده حمایت بیشتری نموده و مجازات سنگین تری برای مرتکب جرم علیه اطفال در نظر گرفته است. علت این امر، ضعیف بودن طفل و عدم امکان دفاع از خویش در مقابل مجرم و همچنین اثرات قوی جرم ارتکابی بر شخصیت و روح و روان طفل قربانی جرم است. قانون جزای ایران نیز در مواردی اندک، به حفظ حقوق طفل بزه دیده پرداخته و مرتکبان جرم علیه اطفال را مستحق مجازات سنگین تری دانسته است. قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، تمهیدات بیشتری را در این زمینه در برداشت که جای آن در قانون مجازات اسلامی خالی است، اما مقنن با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ تا حدی به جبران این خلا قانونی همت گماشت (ایروانیان، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

۱- تخفیف مجازات

مقنن در مواردی، کودکان بزه دیده را از علل تخفیف مجازات دانسته است؛ مثلاً در جرم قذف که مستوجب حد (هشتاد ضربه شلاق) است در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، شرط اجرای حد را، بلوغ، عقل، اختیار و قصد قذف کننده دانسته و از طرفی برای قذف شونده نیز شرط بلوغ، عقل، اسلام و عفت را قرار داده است. همچنین در ماده ۱۴۷، انسان بالغ و عاقلی که شخص نابالغ را قذف می‌کند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق دانسته است. بنابراین نابالغ بودن بزه دیده از موارد تبدیل مجازات حد به مجازات تعزیری، یعنی از موارد تخفیف مجازات است.

۲- تشدید مجازات

از جمله مواردی که کودکان بزه دیده موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود، می‌توان به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود. مطابق ماده فوق، هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال، یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگری، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگری، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد و در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.

جرم انگاری

مقنن جزایی در مواردی، ارتکاب عملی را که فی نفسه جرم نیست، بر روی صغیر و غیر رشید جرم و قابل مجازات دانسته است؛ از جمله می‌توان به ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.^۱ این ماده برای شخصی که با استفاده از ضعف نفس افراد غیر رشید به ضرر آنها، نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری مثل سفته، برات، چک، حواله، قبض یا مفاصا حساب را تحصیل می‌نماید که به نحوی موجب التزام غیر رشید یا برائت ذمه دیگری شود، علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از یک میلیون تا ده

۱ لازم به ذکر است که در ماده ۵۹۶ «غیر رشید» آمده، لیکن کودک و صغیر هم مشمول گستره آن می‌شوند و رابطه این دو از نوع عموم و خصوص مطلق است. ماده ۵۹۶ به حمایت از کودک و صغیر هم پرداخته است. (اسدی، ۱۳۸۲، ۳۰)

میلیون ریال محکوم نموده است. جرم فوق که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ از صورت خاص خیانت در امانت ذکر شده بود، در قانون سال ۱۳۷۵ در باب کلاهبرداری گنجانده شد (ایروانیان، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، تعرض و مزاحمت برای اطفال و زنان در اماکن عمومی یا معابر را مستوجب کیفر دانسته و مقرر داشته است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود، یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی، یکی دیگر از مواردی است که مقنن نگاهی خاص به کودک نوزاد داشته است. مطابق این ماده، سعی در قلمداد نمودن طفل متعلق به شخصی، به زن دیگری غیر از مادر طفل، جرم و قابل مجازات است و چنانچه این امر درباره طفلی که مرده است صورت گیرد، نیز جرم دانسته شده است: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است، بدزد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» قانونگذار در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل حمایت‌های خویش از کودکان بزه دیده، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رسانید. قانون فوق‌الذکر انگاره‌های کیفی دیگری را مد نظر قرار داد و انجام اعمال ذیل را بر روی کودکان و نوجوانان جرم و قابل مجازات دانست:

- ۱- خرید و فروش کودکان (ماده ۳). ۲- بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق (ماده ۳). ۳- صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان (ماده ۴). ۴- نادیده گرفتن سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان و نوجوانان. ۵- ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان (منصوری، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

مواد مخدر

در جرایم مواد مخدر جنبه بزه‌دیدگی بر بزه کاری اطفال غلبه دارد. در خصوص خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر نیز اطفال بیشتر بزه‌دیده هستند تا بزه کار (عباچی، ۱۳۷۹: ۴۴۷)،

زیرا سوداگران مواد مخدر از عدم آگاهی اطفال استفاده کرده و آنان را در فعالیت‌هایی که خطرات زیادی دارد وارد می‌کنند. اطفال به دلیل وضع جسمی و سنی‌شان بیشتر در قاچاق مواد مخدر به کار گرفته می‌شوند. چون در اکثر کشورها اطفال از مسئولیت کیفری مبرا هستند، قاچاقچیان مواد مخدر از اطفال به عنوان واسطه قاچاق استفاده می‌کنند. باندهای تبهکارانه مواد مخدر ابتدا سعی می‌کنند که اطفال را به مواد مخدر معتاد و سپس از آنها استفاده کنند.

گسترده‌تر شدن مصرف و قاچاق مواد مخدر دولت‌ها را به فکر همکاری بین‌المللی انداخته است. این همکاری‌ها به تصویب کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان ۱۹۸۸ منجر شد. طبق کنوانسیون، دولت‌های عضو موظف شدند برای حمایت از اطفال در مقابل مواد مخدر تدابیر مقتضی را آغاز نمایند. در بند سوم از قسمت «ج» بند ۱ ماده ۳ در بیان مواردی که باید دولت‌های عضو اقدام به جرم‌انگاری نمایند «تشزیق یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده (ماده ۳) و یا استعمال غیرقانونی مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان ذکر شده است. در این بند از واژه دیگران استفاده شده که در هر حال اطفال را نیز در برمی‌گیرد، ولی بهتر آن بود که مجازات معتاد نمودن اطفال تشدید می‌شد، چنان‌که در بحث قاچاق این راهکار پیش‌بینی شده است. در بند «و» و «ز» بند ۵ ماده ۳ به استفاده از اطفال در قاچاق مواد مخدر پرداخته شده و استفاده از آنان برای قاچاق، در کنار عواملی چون وقوع جرم در یک نهاد جزایی یا آموزشی یا بنگاه خدمات اجتماعی و یا در مجاورت آنها و یا سایر امکانه‌ای که دانش آموزان به منظور انجام فعالیت‌های آموزشی، ورزشی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند، از عوامل مشدده جرم ذکر شده است (حبیب زاده، ۱۳۷۹: ۳۴).

ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک برخلاف کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر، صراحتاً از اطفال در مقابل اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر حمایت کرده و دولت‌ها را به انجام اقدامات اجرایی، آموزشی و اجتماعی در جهت حمایت از اطفال ملزم کرده است. شناسایی اطفال در معرض خطر که والدینشان معتاد هستند و انتقال آنها به مراکز خاص و آموزش اطفال در مورد پیامدهای منفی اعتیاد می‌تواند از جمله مصادیق حمایت مقرر در ماده مذکور باشد. کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان جهانی کار (۱۹۹۹) نیز در بند ۳ در بیان اشکال غیرقانونی

استخدام و به کارگیری اطفال، استفاده و یا ترغیب اطفال به انجام فعالیت‌های غیرقانونی به‌ویژه به کارگیری اطفال در قاچاق مواد مخدر را آن‌گونه که در عهدنامه‌های بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر ذکر گردیده، بیان کرده است.

قانون‌گذار با آگاهی از این امر در ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷/۸/۳) مجازات شدیدی را برای کسی که دیگری را معتاد می‌کرد پیش‌بینی کرده بود. هرچند در این ماده به‌طور صریح از لفظ اطفال استفاده نشده بود، ولی واژه «دیگری» مذکور در صدر این ماده عام بوده و شامل اطفال نیز می‌گردید و حتی می‌توان گفت اطفال بارزترین مصداق بزه‌دیده این ماده محسوب می‌شدند. مؤید این نظر اطلاق عبارات «عضو خانواده خود» و «دانش‌آموز» مذکور در تبصره ۲ این ماده بود که در مقام بیان کیفیات مشدده این جرم آمده بود. توضیح این که بارزترین مصداق عضو خانواده مرتکب، فرزندان صغیر خانواده هستند (بوریکان، ۱۳۸۱: ۶۷).

حقوق اجتماعی

در کنار حمایت از اطفال در برابر فروش و مصرف مواد مخدر، حمایت از حقوق اجتماعی آنان نیز مورد توجه قرار گرفته است. از مهم‌ترین حقوق اطفال در این حوزه می‌توان به حمایت از آنها در برابر به کارگیری در فعالیت‌های نظامی و ممانعت از تحصیل اشاره کرد. از کار کودکان گاهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و گاهی توسط دولت‌ها استفاده می‌شود. استفاده از کار اطفال توسط دولت‌ها گاهی به صورت به کارگیری آنان در فعالیت‌های نظامی است. طبق برآوردی که صورت گرفته هم‌اکنون بیش از سیصد هزار کودک زیر هیجده سال در درگیری‌های مسلحانه شرکت دارند (زراعت، ۱۳۷۹: ۶).

در جهت حمایت از اطفال در برابر شرکت در مخاصمات مسلحانه مقرراتی وضع شده است. از جمله این موارد ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک است. این ماده بر لزوم منع ورود اطفال کمتر از پانزده سال در مخاصمات مسلحانه و پذیرش آنها در نیروهای نظامی تأکید کرده است. با وجود ماده ۳۸ هنوز هم استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه و نیروهای نظامی وجود دارد. بنابراین سازمان ملل در جهت تصویب پروتکل دیگری در جهت منع ورود اطفال

در مخاصمات مسلحانه تلاش کرد. به این منظور و در جهت تکمیل کنوانسیون حقوق کودک، از طرف سازمان ملل گروه کاری تشکیل شد. حاصل کار تلاش‌های این گروه تدوین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه بود. از نظر کمیسیون حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، تدوین پروتکل و اجرای آن گام مؤثری در جهت تأمین حداکثر منافع کودکان تلقی می‌شود. پروتکل که در سال ۲۰۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید تا اکتبر ۲۰۰۵ به امضای ۱۲۱ کشور رسیده و ۱۰۲ کشور به عضویت آن درآمده‌اند

در باب حمایت از حق تحصیل کودکان تا قبل از سال ۱۳۸۱ تنها قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) وجود داشت (سلیمی، ۱۳۸۲: ۹۸). ماده ۱ این قانون بر حق کلیه اطفال ایرانی نسبت به تحصیل تأکید می‌کرد و بازداشتن آنان از تحصیل را تنها با مجوز قانونی مجاز می‌دانست. در صورتی که والدین اطفال مانع تحصیل کودک می‌شدند بنابر ماده ۴ قانون فوق‌الذکر به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا دوست هزار ریال محکوم می‌شدند که مجازات نامناسبی بود. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ گام مهمی در جهت حمایت از این حق اطفال برداشته شد. ماده ۴ قانون مقرر می‌دارد: «هرگونه... ممانعت از تحصیل آنان (کودکان) ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». در این ماده علاوه بر تشدید مجازات، که مفید است، برخلاف قانون پیشین به‌طور مطلق از حق تحصیل کودکان حمایت شده است. حذف استثنای قانون سابق در جهت حمایت از اطفال بسیار ضروری بود.

جرایم جنسی

جدیدترین سندی که به حمایت از اطفال در برابر بهره‌برداری جنسی پرداخته، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا هرزه‌نگاری کودکان است. مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۵ می ۲۰۰۰ توسط قطعنامه ۵۴/۲۶۳ پروتکل را تصویب کرد و در

نوامبر ۲۰۰۳ پس از گذشت سه ماه از تصویب دهمین کشور به مورد اجرا درآمد. هم‌اکنون ۱۱۴ کشور آن را امضا و ۱۱۱ کشور به عضویت آن درآمده‌اند (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۱۳).

قوانین ایران از اطفال در برابر جرایم جنسی حمایت کافی نکرده بلکه حتی در بعضی موارد سیاست معکوسی دارند، همانند حوزه زنان که در بعضی مورد قانون‌گذار به جای اتخاذ سیاست افتراقی در جهت حمایت از زنان، سیاست معکوسی اتخاذ کرده‌اند (زینالی، ۱۳۸۳: ۳۵).

از جمله مجازات برقراری رابطه جنسی افراد ذکور با اطفال مؤنث همانند مجازات برقراری رابطه با افراد مؤنث بزرگسال است. طبق تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی چنانچه زن محصنه با پسر نابالغ زنا کند موجب حد تازیانه براین زن می‌شود. در حالی که طبق صدر ماده مذکور زنای زن محصنه با مرد بالغ رجم است! با وجودی که رابطه جنسی با طفل باعث ورود صدمه به طفل می‌شود، قانون‌گذار بدون توجه به این امر مجازات را کاهش داده است (حسینی نژاد، ۱۳۷۰: ۱۰).

نگاه قوانین موضوعه ایران در مورد اطفال بزه کار

برای تحقق جرم، وجود دو عنصر مادی و معنوی لازم است؛ اگر چه اکثر حقوقدانان، «عنصر قانونی» را نیز در ردیف ارکان جرم شناخته‌اند (صانعی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۷۴)؛ اما اصل قانونی بودن جرم و مجازات، بعنوان رکنی موازی ارکان مادی و معنوی قابل طرح نمی‌باشد. بلکه هم عنصر مادی و هم عنصر روانی، مبتنی بر قانون هستند و رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و معنوی یک رابطه طولی است نه عرضی (شهیدی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). «صغر» در غالب نظامهای جزای کنونی، از عوامل رفع مسئولیت کیفری است. مسئولیت یعنی قابل بازخواست بودن انسان و عبارت دیگر به معنای چیزی است که انسان عهده دار آن باشد از وظایف، اعمال و افعال (عمید، ۱۳۶۲، ۱۰۸۵)، «مسئول» کسی است که قابل بازخواست باشد (سیاح، ۱۳۷۳، ج ۱، ۵۵۹). شرایط لازم برای وجود مسئولیت عبارتند از: ۱) وجود اوامر و نواهی (۲) آگاهی و اطلاع شخص از قاعده یا تکلیف، و توانایی انجام و یا ترک آن (طولانی، ۱۳۸۰: ۱۴).

به موجب تصویبنامه قانونی ۱۹۴۵، اطفال زیر ۱۳ سال، مسؤول نیستند و نمی‌شود مسؤولیت کیفری آنها را مطرح کرد؛ هر چقدر هم که جرم ارتكابی آنها شدید باشد. صرفنظر از درجه خطرناکی شدت جرم، آنها از نظر کیفری، مسؤول نیستند و دیوان کشور فرانسه در رأیی که جنبه رویه قضایی و رأی وحدت رویه به خودش گرفت، این دوره سنی زیر ۱۳ سال را به دو دوره تفکیک کرده است که این تفکیک بر حسب درجه درک و فهم طفل بوده است؛ گروه اول در این دوره سنی، اطفال کم سن و سال هستند، تا حدود ۵-۶ سال که مشمول اماره صریح و مطلق عدم مسؤولیت می‌شوند و لذا مسؤولیت در موردشان مطرح نیست. گروه دوم، اطفال بین ۷ تا زیر ۱۳ سال هستند که این اماره صریح و مطلق، یک مقدار متزلزل می‌شود و بستگی به نظر دادگاه دارد که آیا این طفل، عمل ارتكابی خود را خوب درک کرده است یا نه.

قوانین جزایی در مورد اطفال بزه کار

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، در مواد ۳۴ الی ۳۹، به وضعیت اطفال بزه کار پرداخت. این قانون اطفال را به سه دسته تقسیم کرد. اطفال کمتر از دوازده سال که وفق ماده ۳۴ غیر قابل تعقیب کیفری بودند، اطفال ۱۵-۱۲ سال که مطابق ماده ۳۴ همان قانون، ممیز محسوب شده‌اند و در صورت ارتكاب جرم باید به اولیای خود تسلیم شوند تا ملتزم به تأدیب، تربیت و حسن اخلاق آنها شوند، و بالاخره اطفال ۱۸-۱۵ سال که مطابق ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی، مجازات آنها در صورت ارتكاب جنایت، حبس در دارالتأدیب در مدتی که زاید بر پنج سال نباشد است و چنانچه مرتکب جنحه شوند، به مجازاتی بین نصف حداقل و تا نصف حد اعلاّی مجازات مرتکب همان جرم است.

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار مصوب ۱۳۳۸، در ماده ۴، اطفال را به سه گروه سنی تقسیم نمود:

(۱) اطفال زیر شش سال که غیر قابل تعقیب می‌باشند (۲) اطفالی که سن آنها بیش از شش سال تمام و تا دوازده سال تمام است و چنانچه مرتکب جرمی شوند بر حسب مورد به اولیاء قانونی یا سرپرست تسلیم می‌گردند و از آنها تعهد مبنی بر تأیب و تربیت و مواظبت در حسن

اخلاق طفل اخذ می‌گردد و چنانچه فاقد سرپرست بوده یا سرپرست، قابل الزام به تأدیب و تربیت طفل نباشد، برای مدتی از یک تا شش ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌گردند. (۳) اطفال بین ۱۲ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم به یکی از طرق زیر تأدیب می‌گردند:

الف - تسلیم به اولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت.

ب - سرزنش و نصیحت توسط قاضی دادگاه.

ج - اعزام به کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال برای کودکان ۱۵-۱۲ سال و از شش ماه تا پنج سال برای کودکان ۱۸-۱۵ سال. بنابراین طبق قانون مورد بحث، افراد زیر هجده سال، غیر قابل مجازات بوده و برای ایشان نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، صرفاً با هدف تأدیب و تربیت طفل، در نظر گرفته شده است.

قانونگذار پس از انقلاب اسلامی، کودکانی را که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند، فاقد مسئولیت کیفری و غیر قابل مجازات دانست. در حال حاضر ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اطفال را در صورت ارتکاب جرم، میرا از مسئولیت کیفری دانسته، تربیت آنان را با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، کانون اصلاح و تربیت قرار داده است. در تعیین مفهوم طفل، تبصره یک ماده ۴۹، سن مشخصی را برای تشخیص طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز میان کودکی و کبر دانسته است (شامبیاتی، ۱۳۷۷: ۵۹).

مسئولیت کیفری اطفال

طبق بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد که ایران نیز به آن کنوانسیون ملحق شده است. کشورهای عضو باید تلاش نمایند تا مراجع خاص را برای رسیدگی به جرایم اطفال تعیین و قوانین موردنیاز را به تصویب برسانند در همین راستا در تاریخ ۷۹/۶/۲۸ از سوی مجلس شورای اسلامی قانون آیین داد رسی کیفری به تصویب می‌رسد که در فصل پنجم آن به تشکیل دادگاه اطفال و ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال اشاره می‌شود (مواد ۲۱۹ لغایت ۲۳۱) به موجب ماده ۲۱۹ قانون فوق در هر حوزه قضایی در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال تشکیل می‌گردد و برای تسهیل در امر رسیدگی به جرایم اطفال کلیه تشریفات مربوط به رسیدگی

اعم از تعقیب و تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن به عهده قاضی دادگاه واگذار می‌گردد چنان‌که ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است. در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌شود، دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون به عهده ضابطین می‌باشد راساً به عمل خواهد آورد، و هرگاه در جریان رسیدگی نیاز به تحقیقاتی در خصوص وضعیت روحی و روانی طفل یا خانواده او و محیطی که در آن زندگی می‌کند لازم باشد قاضی دادگاه می‌تواند از نظر افراد متخصص و خبره و صلاحیتدار استفاده نماید.

برابر ماده ۲۲ همان قانون: «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بیداند آن را انجام دهد یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید.» که مقصود از اهل خبره در ماده قانون روان‌شناسان روان‌پزشکان، مددکاران اجتماعی است که ممکن است جهت تحقیق از خصوصیت روانی و اجتماعی طفل متهم مورد مشورت دادگاه قرار گیرند زیرا بسیاری از اوقات مشاهده می‌گردد طفل تحت تأثیر شرایط خانوادگی حاکم بر خود از جمله سوء رفتار پدر و مادر با وی، متارکه والدین طفل متهم از یکدیگر، سرخوردگی در خانواده، وجود ناپدری و نامادری، احساس حقارت، مشاجره، کشمکش بین پدر و مادر... مرتکب جرم می‌شوند، تشخیص این مسئله که ارتکاب جرم معلول کدام یک از عوامل فوق بوده است به عهده اشخاصی خبره و روان‌شناس می‌باشد که معمولاً از وجود آنها در جرایم مهم استفاده مقتضی به عمل می‌آید (داتا، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

مسئولیت کیفری اطفال در ایران

نحوه رسیدگی به تظلمات در ایران باستان بیشتر تحت تأثیر عقاید مذهبی زمان هخامنشیان و طبق مقررات اوستایی و زرتشت صورت می‌گرفت. از بیست و یک نسک اوستای قدیم فقط هفت نسک معروف به «داتینک» است که به مقررات حقوقی و مذهبی پرداخته و تنها یک نسک از هفت نسک آن به جای مانده که آن هم «وندیداد» نام دارد (پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۲۴۰).

با ظهور اسلام عقاید اوستا رفته رفته قدرت خود را از دست داد و جای خود را به کتاب آسمانی مسلمانان محول کرد (صانعی، ۱۳۷۱: ۸۵).

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ فصل هشتم خود را به شرایط و موانع مجازات اختصاص داده بود. یکی از موضوعاتی که در این فصل مورد توجه قانونگذار وقت قرار گرفته بود، مسؤولیت اطفال بود. بررسی این موضوع تحت عنوان شرایط و موانع مجازات را این گونه می توان توجیه نمود که یکی از شرایط مجازات، رسیدن به سن معین قانونی، و یکی از موانع مجازات عدم بلوغ است و قانونگذار ۱۳۰۴ در این قسمت با اینکه بیشتر تحت تأثیر قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه بوده، لیکن در خصوص سن بلوغ، تا حدی به نظرات شیعه ارجح نهاده و آن گونه که از صدر ماده ۳۶ معلوم است، سن بلوغ را بدون اینکه فرقی بین اناث و ذکور قائل شود، در رسیدن به ۱۵ سالگی تمام دانسته بود. در ابتدای ماده مذکور اشخاصی که به سن ۱۵ سال تمام رسیده اند، اشخاص بالغ شناخته می شود. ماده ۳۶ در عین حال که به تبعیت از فقهای شیعه در ظاهر ۱۵ سالگی را سن بلوغ اعلام داشته بود، لیکن این مسأله را نادیده گرفته بود که سن بلوغ دختران در نظر دانشمندان شیعی ۹ سال قمری است نه ۱۵ سال. در موارد ۳۴، ۳۵ و ۳۶ برای سه دسته از افراد دارای گروه سنی خاص (کمتر از دوازده سال، اطفال بین دوازده تا پانزده سال تمام، و اشخاص بین پانزده تا هجده سال تمام) تعیین تکلیف شده است (آخوندی، ۱۳۷۹: ۳۹).

اطفال زیر دوازده سال مطابق ماده ۳۶ فاقد قوه تمیز فرض شده اند. فقدان قوه تمیز در خصوص اطفال زیر دوازده سال یک فرض یا اماره قانونی انکار ناپذیر است؛ یعنی، هیچ کس نمی تواند با ارائه دلایل مثبت در صدد اثبات قوه تمیز و رشد چنین طفلی برآید. قسمت اول ماده ۳۴ به طور قاطع، صغار کمتر از دوازده سال تمام را معاف از مسؤولیت و محکومیت جزایی اعلام داشته و مقرر کرده بود چنانکه این دسته از کودکان مرتکب جرمی شوند، باید از الزام به تأدیب، تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به اولیای قانونی خود تسلیم شوند (آخوندی، ۱۳۷۹: ۳۹).

الف) قانون تشکیل دادگاه اطفال

رسیدگی به جرایم اطفال تا سال ۱۳۳۸ که قانون تشکیل دادگاههای اطفال به تصویب رسید، مطابق قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌گرفت. به دنبال تحولات اجتماعی و صنعتی کشور بتدریج خطر افزایش بزه کاری بخصوص بزه کاری اطفال و نوجوانان احساس شد و ایجاب کرد بویژه برای اصلاح، تربیت، حمایت مجرمان خردسال و پیشگیری از ارتکاب جرم آنان روشهای تازه ای در نظر گرفته شود و به دنبال آنان در آذر ماه ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار به تصویب رسید.

به دلیل فقدان محاکم اطفال در بعضی شهرها و تشکیل مراکز کانون در چند شهر بزرگ مثل تهران و مشهد ترتیب رسیدگی و صدور حکم در مورد جرایم کودکان تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بدین ترتیب بود: الف- در شهرهایی که دادگاه اطفال تشکیل نشده، ولی کانون دایر بود، بزه کاران خردسال بر اساس قانون تشکیل دادگاه اطفال در دادگاههای جنحه ای محاکمه و به کانون اعزام می‌شوند.

ب- در شهرهایی مثل تهران که هم دادگاه اختصاص و هم کانون اصلاح و تربیت شروع به کار کرده بودند به جرایم صغار، مطابق قانون تشکیل دادگاه اطفال رسیدگی می‌شد.

ج- در مناطقی که نه دادگاه ویژه اطفال و نه کانون وجود داشت، کودکان و نوجوانان بزه کار مطابق قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ محاکمه و در صورت احراز مجرمیت به دارالتأدیب‌هایی که در قسمتی از زندانهای عمومی شهرستانها تشکیل شده و نسبت به زندان مزایایی داشت، هدایت می‌شوند (صانعی، ۱۳۷۱: ۹۳).

ب) قانون اصلاحی مجازات عمومی

این قانون در حقیقت اصلاحیه ای بر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بود که به دنبال احساس نیاز به تغییر و تحول در این قانون به تصویب رسید. از خصایص مهم قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ این بود که به بهانه اثر پذیری از علوم و یافته‌های جدید خصوصاً رشته‌هایی مثل روان شناسی، جامعه شناسی و جرم شناسی از موازین شرعی کاملاً فاصله گرفته بود، و آنچه از قانون سال ۱۳۰۴ رنگ و بوی شرعی داشت، کنار گذاشته بود از جمله آن گونه که از بند دوم ماده

۳۳ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ پیداست، سن بلوغ در این قانون هجده سالگی تمام دانسته شده است، زیرا در این جا در مورد افراد تا هجده سالگی تمام از کلمه اطفال استفاده شد، به علاوه در قانون سال ۱۳۵۲ مواردی از شدت گزایی در مورد جرایم اطفال مشاهده می‌گردد.

ج) مسؤولیت کیفری اطفال در قوانین بعد از انقلاب اسلامی

در قوانین مصوب پس از انقلاب چند نکته اساسی در مورد مسؤولیت کیفری اطفال خود نمایی می‌کند:

اولاً: سن بلوغ و قابلیت برای پذیرش تکالیف و مسؤولیت‌های قانونی کاملاً تغییر یافت. ثانیاً: عدم مسؤولیت اطفال صریحاً به عنوان یک اصل پذیرفته شده و این معافیت شامل تعدد، تکرار، شرکت و معاونت و شروع به جرم اطفال نیز شد. ثالثاً: در موارد استثنایی و بنابر دلایل خاصّ عقلی یا نقلی اطفال می‌توانند مسؤول شناخته شوند؛ به علاوه در شرایط خاصی، عاقله، طفل مسؤولیت جبران خسارت جرایم طفل را بر عهده می‌گیرد.

قوانین جزایی

اولین قانون ناظر به جرایم و مسؤولیت اطفال دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ماده ۲۶ قانون آزمایشی راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این ماده بر خلاف بسیاری از دیگر مواد قانون مزبور، بازنویسی شده از قانون اصلاحی ۱۳۵۲ نبود، بلکه کاملاً بدیع و تازه بود مدت آزمایشی اجرای این قانون در سال ۱۳۶۶ به اتمام رسید و اجرای آن برای پنج سال دیگر توسط شورای عالی قضایی سابق تمدید شد.

قانون مجازات اسلامی

مرحله دوم اجرای قوانین جزایی در ایران از سال ۱۳۷۰ شروع شد. بعد از تصویب مجموعه قوانین جزای اسلامی در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ شامل قانون راجع به مجازات اسلامی قانون

حدود، قصاص و مقررات آن، قانون مجازات اسلامی (دیات) و قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ...، این قوانین در سراسر کشور به اجرا درآمد، سپس در سال ۱۳۷۰ اصلاحاتی در آن صورت گرفت و مجلس شورای اسلامی با تلفیق این قوانین آن را به صورت یک قانون واحد که شامل قوانین حدود، قصاص، دیات و تعزیرات بود، تصویب کرد و نهایتاً به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام هم رسید. بدین ترتیب قانون آزمایشی مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰/۵/۸ به تصویب کمیسیون امور قضایی رسید و با تأیید نمایندگان مجلس شورای اسلامی بطور آزمایشی به مدت پنج سال از تاریخ تصویب قابلیت اجرا یافت.

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری

سومین مرحله اجرای قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ قانون مورد بحث اختصاص به آیین دادرسی و تربیت رسیدگی جرایم اطفال دارد که جایگزین موادی از قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزه کار بوده است. به موجب این قانون، در هر حوزه قضایی، یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص می‌یابد و در مورد اشخاص بالغ کم‌تر از هجده سال نیز طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌کنند. نگهداری اطفال در کانون اصلاح و تربیت یا مکان‌های مناسب دیگر است و دادگاه ایشان با حضور وکیل یا ولی یا سرپرست طفل و به صورت غیر علنی تشکیل می‌شود.

آیین دادرسی کیفری اطفال در حقوق موضوعه

طبق حقوق کیفری عرفی و حقوق اسلام، اطفال و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم فاقد مسؤولیت کیفری هستند، لیکن ضرورت وصول به هدف‌های متعالی تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت و منش و پیشگیری از تکرار جرم آنان و تأمین امنیت قضایی و جبران خسارت بزه دیدگان، ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشورها در تأمین اهداف مزبور، موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی اتخاذ نمایند.

الف) دادرسی ویژه اطفال

در حقوق اسلام، مستند به کتب فقهی امامیه (باب قضاء) شیوه‌ای متمایز از بزرگسالان برای رسیدگی به اطفال مقرر نگردیده است. لیکن با توجه به احادیث فراوانی که مبتنی بر

سفارش اکید به تکریم شخصیت، تربیت و آموزش و نگهداری بنحو احسن کودکان، حتی از زمان پیش از انعقاد نطفه و زمان حیات جنینی در رحم مادر تا دوران تولد و رسیدن به سن کمال عقل، در کتب معتبر حدیث موجود است، به نظر می‌رسد که اصول دادرسی کیفری عرفی ویژه اطفال که در حقوق موضوعه کشورها به منظور وصول به هدف مقدس تعلیم و تربیت و حفظ مصالح عالی کودکان معارض با قانون پیش بینی شده است (آخوندی، ۱۳۷۹: ۶۳).

ب) تشکیل دادگاه ویژه اطفال

بند سوم قسمت «ب» ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، تشکیل مرجع قضایی واجد صلاحیت مستقل و بی طرف را در مورد رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش بینی و مقرر کرده است. در حقوق ایران تا قبل از تشکیل دادگاه‌های اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده بود. با تصویب قانون مزبور دادگاه ویژه اطفال پیش بینی و مقرر گردید.

با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۶۱، و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، حسب رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۶۴/۲/۲۳، دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حذف و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان بر حسب نوع و شدت جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ قرار گرفت (فیض، بی تا: ۶۰).

ج) شیوه انتخاب قضات اطفال

به موجب ماده ۶ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه اطفال، قضات دادگاه‌های اطفال باید به منظور اتخاذ روشهای مناسب منطبق با شخصیت اطفال و نوجوانان تحت پیگرد قضایی، صلاحیت و شایستگی لازم را دارا باشند. در حقوق ایران در ماده ۲ قانون تشکیل اطفال بزه کار مصوب سال ۱۳۳۸، تصریح شده بود که قضات دادگاه اطفال باید از بین قضاتی انتخاب شوند که صلاحیت آنان برای این امر با رعایت سن و سوابق خدمت وجهات دیگر محرز باشد.

اصول بنیادین دادرسی کیفری

ماده ۷ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال و مواد ۳۹ و ۴۰ پیمان حقوق کودک، رعایت اصول و تضمینات اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را در هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به اتهامات اطفال و نوجوانان لازم‌الرعایه اعلام کرده‌اند.

بدین ترتیب اصولی از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه و دیگر اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود طرف مقابل و حق پژوهش خواهی از مراجع بالاتر باید در زمینه رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان کاملاً رعایت گردد.

در حقوق ایران عنوان فصل پنجم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری اختصاص به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال دارد، لیکن در مشروحه مواد ذیل این فصل (۲۱۹۲۳۱) مقنن تصریحی به لزوم رعایت اصول بنیادین مزبور ننموده است.

با این حال طبق نظریه شماره ۷/۷۵۳۸ مورخ ۱۹/۱۰/۷۸ اداره حقوقی قوه قضائیه (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱، ۱۱۷) در رویه قضایی ایران رعایت اصول مزبور به شرح مواد عمومی قانون آیین دادرسی کیفری الزامی تلقی شده است. ماده ۳۱ لایحه قانونی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به رفع این اشکال پرداخته، مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بر طبق مقررات این قانون انجام می‌شود و در غیر این موارد مذکور در این قانون تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.»

تسریع در رسیدگی، احضار یا جلب، حضور والدین، سرپرستان قانونی و مشاور حقوقی، تشکیل پرونده شخصیت، بازداشت پیش از محاکمه، غیر علنی بودن، اتخاذ تصمیم و صدور حکم، حضوری بودن رأی، تجدید نظر همگی از اصول بنیادی دادرسی کیفری است (دانش، ۱۳۷۸: ۶۵).

نتیجه گیری

برخی از گروه‌ها، همانند اطفال در برابر پدیده بزه کاری آسیب پذیرترند و احتمال بزه‌دیده واقع شدنشان بیشتر از سایر گروه‌ها است، از این رو به حمایت بیشتر احتیاج دارند. این سیاست به معنای تبعیض در اجرای قوانین کیفری نیست. بنابراین سیاست افتراقی در قوانین داخلی ماهوی و شکلی وارد شد. بشر به این نتیجه رسید که نه تنها در هنگام وقوع جرم، بلکه در هنگام دادخواهی نیز احتمال بزه‌دیده شدن وجود دارد که خطرات آن کمتر از بزه‌دیدگی اولیه نیست. از این رو در آیین دادرسی کیفری نیز حمایت‌هایی در جهت حقوق بزه‌دیدگانی که در معرض خطر قرار دارند در نظر گرفته شد. به عنوان مثال، مقررات خاصی از قبیل استفاده از دستگاه‌های ویدئویی برای استماع اظهارات اطفال بزه‌دیده مقرر شده است. در این پژوهش به برخی از ایرادهای وارد بر قوانین داخلی در حوزه اطفال اشاره و ملاحظه گردید که به رغم اصلاحات صورت گرفته تا رسیدن به سرحد مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد.

اولین تغییری که باید قبل از همه صورت گیرد اتخاذ سیاست حمایتی افتراقی برای کلیه اطفال کمتر از هیجده سال است چرا که همانطور که بیان گردید جز مواردی که در قوانین به‌طور خاص به سن خاصی اشاره شده است در بقیه موارد بایستی به اصل رجوع کرده و مقررات حمایتی پیش‌بینی شده را شامل حال اطفال کمتر از پانزده و نه سال بدانیم. این امر موجب خارج شدن طیف وسیعی از اطفال از حیطه حمایت قانون‌گذار خواهد شد.

در کنار این تغییر اقدامات دیگری را نیز اجرا نمود تا انگیزه مجرمان در ارتکاب جرم علیه اطفال کاهش یابد. از جمله این اقدامات می‌توان به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه قانونی در مورد بزه کاران جرایم علیه اطفال اشاره نمود. علاوه بر این، اصلاح مقررات قانونی حوزه‌هایی که در این تحقیق به آنها اشاره شده گردید و ایرادهای آنها مطرح شد نیز می‌تواند بسیار کارساز بوده و احتمال بزه‌دیدگی اطفال را کاهش دهد، اصلاح موادی که احتمال بزه‌دیدگی اطفال را افزایش می‌دهد نیز بسیار ضروری است، زیرا در بعضی از موارد نه تنها قانون‌گذار سیاست افتراقی در جهت حمایت از اطفال اتخاذ نکرده بلکه سیاست معکوس اتخاذ کرده که این امر در بزه‌دیدگی اطفال مؤثر است.

از جمله می‌توان به ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که برخلاف قذف بالغ، چنانچه طفل نابالغ مقذوف واقع شود مجازات قاذف را تعزیر قرار داده است. هرچند شاید گفته شود که به دلیل عدم استقلال شخصیتی اطفال وجود تبعیض در حمایت کیفری از آنها نسبت به سایرین تا حدودی طبیعی است اما به نظر می‌رسد با توجه به شکل‌گیری شخصیت و طی کردن مرحله آزمون و خطا در دوره کودکی، بایستی شخصیت معنوی اطفال بیشتر محترم شمرده شده و هرگونه تعرض به آنان ممنوع اعلام گردد. غیر از این ماده مواد دیگری مانند ۲۲۰، ۵۹ و تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی راه را برای تعرض به اطفال باز گذاشته است. امروزه همه پذیرفته‌اند که در حوزه اطفال با قوانین کنونی نمی‌توان از بزه‌دیدگی اطفال پیشگیری کرد. و بر این اساس به تازگی ایده تشکیل پلیس کودک مطرح شده است. در تشکیل این نیرو باید به آموزش آنان توجه شایسته مبذول شود، زیرا پس از بزه‌دیدگی، طفل نیازمند آرامش و حمایت است و این امر تنها از افراد آموزش دیده برمی‌آید. تأسیس شورای حمایت از حقوق کودکان در قوه قضائیه نیز از دیگر اقدامات مفید است.

منابع

- ۱- آخوندی، محمود. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری، قم، نشر اشراق، چاپ اول.
- ۲- اسدی، لیلا سادات. (۱۳۸۲). کودکان بزه کار و بزه دیده در حقوق ایران، فصلنامه ندای صادق، شماره ۳۰-۳۵-۴۰.
- ۳- ایروانیان، امیر، حمایت از اطفال در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی و جنسی، فصلنامه ندای صادق، شماره ۳۲، ۱۳۸۳. صص: ۱۱۲-۱۵۰.
- ۴- بوریگان، ژاک. (۱۳۸۱). اطفال بزه‌دیده و بزه کار در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۴-۸۹.
- ۵- پاشا صالح، علی. (۱۳۴۸). مباحثی از تاریخ حقوق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۶- جعفری تبریزی، محمد تقی (علامه جعفری). (۱۴۱۹ ه.ق)، رسائل فقهی در یک جلد، مؤسسه منشورات کرامت، تهران - ایران، اول.

- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ اول.
- ۸- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۹). محاربه در حقوق کیفری ایران، انتشارات تربیت مدرس.
- ۹- حسینی نژاد، حسین قلی. (۱۳۷۰). دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری، مجله تحقیقات عمومی، شماره ۹.
- ۱۰- داتا، آسیت. (۱۳۷۳). تجارت بین الملل و گرسنگی جهانی، ترجمه همایون الهی نشر قومس، چاپ دوم.
- ۱۱- دانش، تاج زمان. (۱۳۷۸). دادرسی اطفال بزه کار در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۲- زراعت، عباس. (۱۳۷۹). شرح قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات حقوق جزای عمومی)، تهران، ققنوس، چاپ اول.
- ۱۳- زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۳). اثرات فقدان حمایت کیفری از زنان بر بزه‌دیدگی آنها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳.
- ۱۴- سلیمی، صادق. (۱۳۸۲). جنایات سازمان‌یافته تر فراملی، نشر تهران صدا، چاپ اول.
- ۱۵- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۷). بزه کاری اطفال و نوجوانان، تهران، نشر پاژنگ.
- ۱۶- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۱). مدنی ۳ (تعهدات)، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۱۷- صانعی، پرویز. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
- ۱۸- طولانی، ق. (۱۳۸۰). «ابعاد وحشتناک تجارت کودکان»، ترجمان اقتصادی، شماره ۲۱.
- ۱۹- عباچی، مریم. (۱۳۷۹). «حمایت از اطفال در مقابل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر (ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹)»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد سوم، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۰- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی و مردم، انتشارات وزارت ارشاد، بی تا.
- ۲۱- منصوری، عباس. (۱۳۷۸). «جهان در آستانه پیوست هزاره‌ها»، اندیشه و جامعه، شماره ۹.